

The Exceptional Functions of Negotiable Instruments in Supporting Business and Investment

Ahmad Esfandiari ¹✉ 

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Sa.C., Islamic Azad University, Sari, Iran. (Corresponding Author).

E-mail: ahmadesfandiari@iausari.ac.ir

Received: 2025-10-29	How to cite this article: Esfandiari, A. (2026). The Exceptional Functions of Negotiable Instruments in Supporting Business and Investment. Research Journal on Business Law and Investment, 1(2) (2): 77-94.
Revised: 2026-02-04	
Accepted: 2026-02-07	
Available Online: 2026-03-06	

Introduction

Negotiable instruments—including bills of exchange, promissory notes, and cheques—constitute fundamental institutions of commercial law and play a vital role in regulating and facilitating financial relations among traders. These instruments not only function as means of payment and fund transfer, but also create a distinct and autonomous legal relationship, thereby providing functions that go beyond traditional civil law mechanisms. Their significance is further amplified in today's economic environment, where speed and security in commercial transactions and the attraction of investment are essential. Focusing on these instruments, the present article examines their legal nature and practical effects in comparison with the general rules governing obligations. The primary objective of this study is to elucidate the distinguishing and superior features of negotiable instruments vis-à-vis analogous institutions in civil law, and to analyze the special protective functions they provide for economic actors and investors. Accordingly, the article seeks to answer the fundamental question of how the rules governing bills of exchange, promissory notes, and cheques—through the creation of independent, rapid, and secure mechanisms—support business activity and investment flows.

Methods

This research adopts a descriptive–analytical methodology with a comparative approach between commercial law and civil law. The necessary data were collected through library-based study of authoritative jurisprudential, legal, and commercial sources, examination of statutory laws (particularly Iran's Commercial Code and Civil Code), and analysis of judicial decisions issued by competent authorities (such as the Supreme Court and the High Council of Registration). The content of these materials was then analyzed to extract and examine the legal foundations, principles, and effects of negotiable instruments.

Findings

The findings indicate that negotiable instruments generate exceptional legal functions by embracing fundamental principles such as the separation of the instrumental relationship from the underlying transaction and the independence of signatures. Unlike civil law—where ancillary obligations are generally affected by the validity or invalidity of the underlying relationship—in negotiable instruments, the relationship established between the holder and the signatories may be independent both in its formation and continuation.

The principle of non-opposability of defenses against a holder in due course ensures the free and secure circulation of these instruments. Practical manifestations of this independence can be observed in accommodation bills (issued to obtain credit without a prior underlying transaction) and recourse bills (drawn to recover the amount of a dishonored bill plus costs, irrespective of the original commercial relationship). Another key finding concerns the possibility of claiming payment prior to maturity in cases such as non-acceptance of a bill or deterioration of the debtor's financial capacity—an option generally unavailable in civil law. Moreover, contrary to the general rule in civil obligations, negotiable instruments allow partial acceptance of a bill by the drawee and oblige the holder to accept partial payment from the debtor, thereby enhancing flexibility and facilitating financial circulation. The rule requiring acceptance of payment by a third party also operates under specific conditions, obliging the holder to accept a payment that releases a greater number of liable parties (including the drawer and endorsers). One of the most prominent protective functions of these instruments is the possibility of obtaining immediate and comprehensive provisional attachment. Under Iranian law, the holder of a protested bill, promissory note, or cheque may request attachment of all movable and immovable assets of the debtor—up to the amount of the instrument—without providing security for potential damages. This mechanism, which is subject to strict conditions in ordinary civil claims, constitutes a powerful tool for preventing dissipation of assets and ensuring recovery of debts.

Collectively, these findings demonstrate that commercial legislators have designed a flexible and protective framework for negotiable instruments, aimed at ensuring speed, security, and trust in commercial transactions.

Conclusion

Overall, it may be concluded that negotiable instruments (bills of exchange, promissory notes, and cheques) are not merely evidentiary or enforcement tools; rather, they function as valuable and liquid assets, means of obtaining credit, and strong enforcement guarantees within the commercial sphere. The special rules governing these instruments—including the autonomy of the instrumental relationship, the principle of non-opposability of defenses against good-faith holders, rapid access to claims through provisional attachment, and flexible payment mechanisms—provide a secure and efficient foundation for expanding commercial transactions, reducing transactional risk, and ultimately supporting business activity and investment flows. These exceptional functions justify the privileged and indispensable position of negotiable instruments in the modern economic legal system.

English Keywords: Negotiable Instruments, Business, Instrumental Relationship, Holder, Underlying Relationship, Investment.



کارکردهای استثنای ابزارهای مبادله‌پذیر در حمایت از کسب و کار و سرمایه‌گذاری

احمد اسفندیاری^۱✉

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: ahmadesfandiari@iausari.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

برات، سفته و چک، ابزارهایی به شمار می‌روند که در تنظیم روابط مالی میان تجار، نقش مهمی دارند و با امضا و تسلیم ابزارهای مذکور به دارنده، رابطه ویژه‌ای میان او و اشخاص وارد در آن شکل می‌گیرد که در مقایسه با نهادهای مشابه مدنی کارکردهای استثنایی به همراه دارد. این رابطه نه تنها از روابط پایه مستقل می‌باشد بلکه تصور وجود رابطه ابزاری مذکور بدون وجود روابط پایه نیز غیرممکن نیست. در فرضی که پس از وقوع معامله پایه، چند ابزار مبادله‌پذیر برای پرداخت ثمن صادر شود، سرنوشت هر ابزاری از سایر ابزارها جدا می‌باشد. به این ترتیب، از یکسو، ایرادات روابط پایه در روابط ابزاری و از سوی دیگر، ایرادات روابط ابزاری در یکدیگر مؤثر واقع نمی‌شود. دارنده چنین ابزاری نه تنها می‌تواند مبلغ مندرج در آن را پیش از سررسید به وجه نقد تبدیل سازد بلکه در برخی موارد-که قدرت پرداخت متعهد متزلزل می‌شود- پیش از سررسید مطالبه نماید. علاوه بر این، در صورت عدم پرداخت در سررسید و انجام تشریفات مربوط به مطالبه، اعتراض و اقامه دعوا، دارنده، حق دارد بدون تودیع خسارت احتمالی، در مورد مبلغ مذکور، نسبت به همه اموال و دارایی‌های بدهکار، تقاضای تأمین خواسته نماید. به این ترتیب، ابزار مبادله‌پذیر، در مقایسه با نهادهای مشابه مدنی، کارکردهای استثنایی را در حمایت کسب و کار و سرمایه‌گذاری به نمایش می‌گذارد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

کلیدواژه‌ها: ابزار مبادله‌پذیر، کسب و کار، رابطه ابزاری، دارنده، رابطه پایه، سرمایه‌گذاری.

استناد: اسفندیاری، احمد (۱۴۰۴). کارکردهای استثنای ابزارهای مبادله‌پذیر در حمایت از کسب و کار و سرمایه‌گذاری. *حقوق کسب و کار و سرمایه‌گذاری*، ۱(۲) (پیاپی ۲)، ۷۷-۹۴.

<http://doi.org/10.82466/jbli.2026.1222729>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

حقوق تجارت به طور کلی و حقوق اسناد تجاری به طور خاص و حقوق ابزار مبادله‌پذیر به طور اخص در مواردی با نهادهای اصول و قواعدی سروکار پیدا می‌نمایند که بر اساس قواعد حقوق مدنی، قابل تحلیل نمی‌باشند. چنانکه ممکن است که در رابطه‌ای معاملاتی، «الف» به واسطه خرید کالا به جای پرداخت ثمن، سندی تجاری مانند برات را در اختیار «ج» قرار دهد که وجه آن را از «ب» دریافت کند، در اینجا چهار رابطه حقوقی وجود دارد: در رابطه حقوقی نخست، «الف» در ازای فروش کالا، مبلغی از «ب» طلبکار می‌باشد که قرار است ثمن آن را در تاریخ معینی دریافت نماید. در رابطه حقوقی دوم «الف» در ازای خرید مقداری کالا، به مبلغ فوق یا بیشتر به «ج» بدهکار می‌باشد که قرار است ثمن آن را در تاریخ مذکور پرداخت نماید. در رابطه حقوقی سوم، «الف» برای دریافت طلب خود از «ب» و پرداخت بدهی خود به «ج»، براتی به مبلغ مذکور بر عهده «ب»، بدهکار معامله اول و در وجه «ج»، طلبکار معامله دوم صادر می‌کند. در رابطه حقوقی چهارم، «ب» برای پرداخت بدهی خود به «الف» در مقابل «ج» تعهد می‌نماید که مبلغ مندرج در برات مذکور را پرداخت کند و در رابطه حقوقی پنجم، «ج» برای پرداخت بدهی خود به «د»، برات را به وی منتقل می‌سازد. سؤال مطرح این است که روابط ناشی از صدور، قبولی، ظهرنویسی یا ضمانت در ابزارهای مبادله‌پذیر چه کارکرد متفاوتی در حمایت از کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری دارد؟ این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ چنین سؤالی است.

۱. مبانی ابزارهای مبادله‌پذیر

تحقق ابزارهای مبادله‌پذیر، مستلزم اتخاذ مبانی حقوقی نوین در مورد اسناد تجاری از جمله تفکیک میان روابط پایه و رابطه ابزاری، تفکیک میان ابزارهای مبادله‌پذیر و پذیرش امکان رابطه ابزاری بدون رابطه پایه می‌باشد:

۱-۱. تفکیک رابطه ابزاری از روابط پایه

تبعیت رابطه‌ای حقوقی از رابطه حقوقی دیگر در حقوق مدنی، امری ناشناخته نیست. مطابق قواعد کلی و عموماً حاکم بر فقه اسلامی و به تبع آن، حقوق مدنی ایران، سبب، یکی از ارکان عقد، محسوب می‌شود و در اعمال حقوقی مانند ضمان، کفالت، رهن و حواله که عقود، تبعی بوده و قبل از آن باید دینی وجود داشته باشد. مطابق این دیدگاه، از آنجا که ناحق و ظلم، هیچ‌گاه منشأ حق واقع نمی‌شود و روابط تبعی از عیوب و ایرادات روابط پایه، متأثر می‌گردد. رابطه حقوقی که در آن، «الف» به واسطه خرید کالا به جای پرداخت ثمن به فروشنده (ج)، وی را برای دریافت ثمن به شخص ثالثی که بدهکار وی به شمار می‌رود (ب)، معرفی کند، در فقه و حقوق مدنی، حواله بر بدهکار (حواله کامل) نامیده می‌شود. عده‌ای از فقها این عمل حقوقی را ایقاع و گروهی بیع دین دانسته (ابن قدامه، بی تا: ۳۹۰) و برخی نیز آن را عقد معرفی نمودند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۹۸). در این نوع حواله، خریدار «محول»، فروشنده «محال له یا محتال» و شخص ثالث «محال علیه» نام دارد. به این ترتیب، محیل از محال علیه، طلبکار و به محتال بدهکار می‌باشد و به وسیله حواله، طلب خود را از محال علیه، وصول و بدهی خود به محتال را می‌پردازد. از این رو، قبول محال علیه، لازم نیست (امامی، ۱۳۷۲: ۲۸۷؛ جبعی عاملی، ۱۳۰۸: ۴۲۳).

در این فرض هرگاه معلوم شود که محیل بدون اینکه دینی به محتال داشته باشد به تصور وجود چنین دینی به سود او حواله داده است، از آنجا که بدهکار بودن محیل به محتال از شرایط انعقاد عقد حواله است، در مورد بطلان چنین حواله‌ای در فقه (باقری، ۱۳۸۲: ۲۵۰) و مطابق ماده ۷۳۳ قانون مدنی ماده ۷۳۳ تردیدی وجود ندارد. در حقوق ایران اگرچه بطلان حواله پس از فسخ معامله اصلی، به عده‌ای، نسبت داده شده است (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۷۶)، برخی دیگر، فسخ یا اقاله معامله اصلی را در سرنوشت حواله موثر نمی‌دانند (جزیری، بی تا: ۲۱۱)؛ زیرا اگر دین محال علیه از بین برود، تأثیری در عقد حواله ندارد و حواله، زمانی منعقد شده است که ذمه خریدار، نسبت به ثمن به بایع مشغول بوده است (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۴۴؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۷۶) از این رو، حواله فقط حدوثاً تابع رابطه پایه بوده ولیکن بقااً مستقل است. این وضعیت در عملیات مربوط به اسناد تجاری، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. با این حال، هرگاه خریدار حواله کند تا ثالثی، ثمن را به فروشنده بدهد و بعداً بیع را به دلیل وجود عیب در مبیع یا خیار غبن، فسخ نماید، برخی حواله را نیز به تبعیت از بیع منفسخ می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۰) زیرا پس از فسخ

بیع و بری شدن خریدار، حواله، موضوعیت خود را از دست می‌دهد. علاوه بر این، فسخ بیع به منزله ردّ مبیع به فروشنده و از میان بردن طلب ثمن می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۴۳۰)؛ بنابراین عقد حواله، حدوثا و بقاا تابع رابطه پایه است. عده‌ای دیگر، عقیده دارند که حواله، عقدی، مستقل بوده و در این مورد از بیع، تبعیت نمی‌نماید و برای صحت آن، کافی است که رابطه پایه در زمان انعقاد آن درست باشد تا انتقال دین به ذمه محال علیه محقق شود.

معمولاً پیش از صدور برات، دو رابطه پایه و در مورد سفته و چک، حداقل یک رابطه پایه وجود دارد. از آنجا که در قلمرو تجارت، به عنوان اصل کلی هیچ رابطه‌ای به صورت مجانی شکل نمی‌گیرد، در اغلب موارد، رابطه تبعی میان اشخاصی برقرار می‌شود که قبلاً درگیر رابطه پایه معاملاتی یا غیر معاملاتی بوده و برای تسویه حساب هر کدام به طریق خاصی وارد رابطه تبعی شده‌اند. در عملیات ناشی از اسناد تجاری هرگاه معلوم شود که روابط پایه مانند فروش شکر، برنج و گندم باطل بوده یا بعد از صدور سند تجاری، فسخ یا اقاله شده یا کالا موضوع بیع به خریدار تسلیم نگردیده است، حکم موضوع تا حدودی معاملات مدنی متفاوت می‌باشد. در حقوق اسناد تجاری، وضعیت رابطه سندی در دو فرض روابط نزدیک و روابط دور، قابل بررسی است:

در فرض روابط نزدیک، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی مانند آلمان و سوئیس - که بر اساس آنها قراردادهای میان اشخاص، مستقل از تأثیر سبب، ایجاد می‌شود و سبب، جزء ارکان آن به حساب نمی‌آید و همین که میان محیل و محتال (محال له) در حواله طلبکار و بدهکار در مورد تبدیل تعهد، توافق شد که حق یا دین از یکی به دیگری منتقل شود هرگاه بعداً ثابت گردد که سبب وجود نداشته یا نامشروع بوده است، بدهکار نمی‌تواند به این دلیل، تعهد را نادیده بگیرد و از انجام آن سر باز زند و تنها راه موجود برای وی جهت گرفتن حق خود، آن است که پس از انجام تعهد تبعی به استناد قاعده دارا شدن غیر عادلانه، نسبت به استرداد آنچه داده است، اقدام نماید (سنهوری، ۱۳۸۸: ۳۸۷) - در اکثر نظام‌های حقوقی و از جمله حقوق مدنی ایران و همچنین در رابطه میان ایادی بلافصل براتی (براتکش و براتگیر، ظهنویس و انتقال گیرنده، براتکش و اولین دارنده) رابطه سندی، تحت تأثیر روابط اصلی قرار دارد. به عبارت بهتر، حمایت از پول تجاری و تسهیل گردش مطلوب آن در مورد اشخاصی که رابطه سندی مستقیمی میان آنها برقرار می‌شود در برابر رابطه پایه رنگ می‌بازد (صقری، ۱۳۸۷: ۶۱) به طوری که هرگاه منتقل الیه به انتقال‌دهنده خود مراجعه نماید، ایرادات موجود در روابط پایه میان آنها شنیده شده و تعهدات ناشی از سند ایادی قبلی تحت تأثیر ایرادات واقعی و شخصی معاملاتی قرار می‌گیرد. با این حال، در فرض روابط دور که سند تجاری از طرف دارنده به اشخاصی واگذار می‌شود که طرف معامله پایه نیستند، باید میان حالتی که دارنده از بطلان، عدم نفوذ، فسخ یا اقاله آن، اطلاع داشته و حالتی که بی‌اطلاع باشد، تفاوت گذاشت: در حالتی که سند تجاری از طرف دارنده به اشخاصی واگذار شود که هرچند طرف معامله اصلی نباشد، از بطلان، عدم نفوذ، فسخ یا اقاله آن اطلاع داشته یعنی فاقد حسن نیت باشند، متعهدین سند، حسب مورد می‌توانند از این جهت در مقابل دارنده، به بطلان، عدم نفوذ، فسخ یا اقاله آن اطلاع داشته یعنی فاقد حسن نیت باشند، متعهدین سند، حسب مورد رابطه‌ای حقوقی ایجاد شده و اعتبار آن نیز از همین رابطه، تبعیت می‌نماید و دارا شدن غیر عادلانه یا استفاده بلاجهت، فاقد توجیه قانونی می‌باشد؛ بنابراین، صدور، قبول، ظهنویسی و... زمانی می‌تواند دلیل بدهکاری صادرکننده، قبول کننده، ظهنویس و... حسب مورد باشد که رابطه حقوقی اصلی، صحیح باشد. حکم شماره ۳۱۰/۷۲ صادره از شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور، مؤید همین معنی است؛ بنابراین، ایرادات بالا، حتی پس از گردش سند در مقابل دارنده، قابلیت استناد دارند.

اما در حالتی که سند از طرف دارنده به اشخاصی واگذار شود که نه تنها طرف معامله اصلی نیستند، نسبت به بطلان، عدم نفوذ، فسخ یا اقاله آن، بی‌اطلاع به شمار می‌روند، از آنجا که این اشخاص، دارنده با حسن نیت سند به حساب می‌آیند و ظهنویسی نیز معامله مستقلی غیر از صدور و قبول می‌باشد و با توجه به لزوم تأمین سرعت و امنیت و به دلیل اصل استقلال امضاهای مندرج در سند، وجود اشتباه یا اکراه در رابطه با صدور یا قبولی سند، حسب مورد، مانع صحت امضاء ظهنویس یا ظهنویسان نبوده و دارنده می‌تواند جهت مطالبه وجه آن به این اشخاص مراجعه کند.

اسکناس به دلیل اعتماد مردم، نسبت به دولت‌ها از جهت کنترل حجم نقدینگی در گردش و ثابت ماندن نسبی ارزش آن میان آنها، مورد اقبال می‌باشد، اما مقبولیت اسناد تجاری، ناشی از اعتماد میان اشخاص در روابط مالی است که در سطح

ضعیف‌تری، نسبت به اسکناس قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های جبران این ضعف در مورد اسناد تجاری، تفکیک میان روابط پایه و رابطه سندی می‌باشد که در این صورت به استناد اصل «عدم توجه ایرادات»، سند تجاری به «ابزار مبادله پذیر» تبدیل می‌شود. اگرچه قانون تجارت در این مورد، حکم صریحی ندارد، نظر حقوقدانان تجارت بر این است که در حقوق ابزارهای مبادله‌پذیر نیز به‌عنوان قاعده کلی، وجود قصد و رضای طرفین یا اطراف ابزار برای صحت یا نفوذ امضاهای مندرج در آن ضروری است. با این حال، در این مورد، اگرچه قانون تجارت، حکم صریحی ندارد، رویه قضایی شکل گرفته در این مورد و از جمله رأی شماره ۱۹۹۲ دیوان عالی کشور، مفید همین معنی است: «چکی که از طرف دارنده به نفع مدعی، ظهرنویسی و سپس ادعا شده است که چک بابت معامله ملکی بوده و تاریخ حقیقی آن با تاریخ مذکور در آن تفاوت دارد و... این اظهارات در مقابل دارنده چک که به نفع او ظهرنویسی گردیده است...قابلیت توجیه ندارد» (حاتمی، قرائی و دمرچیلی، ۱۳۹۰: ۵۳۰).

۱-۲. رابطه ابزاری بدون رابطه پایه

چنانکه گفته شد، مطابق قواعد کلی و عموماً حاکم بر فقه اسلامی و به تبع آن، حقوق مدنی ایران، محال علیه می‌تواند در مقابل محال له به انواع ایرادات از قبیل وفای به عهد، تبدیل تعهد، تهاتر، فسخ، اقاله، عدم نفوذ یا بطلان رابطه پایه متوسل شود و خود را در برابر حواله (رابطه تبعی) میرا معرفی نماید. به این ترتیب، در حقوق مدنی، حقوق و تکالیف اولاً و بالذات از قانون یا قرارداد صحیح ناشی می‌گردد و در صورت عدم وجود رابطه پایه صحیح، هیچ حق و تکلیفی موضوعیت نمی‌یابد. مطابق این دیدگاه، در صورت عدم وجود رابطه پایه، رابطه تبعی نیز ایجاد نمی‌شود. این در حالی است که ممکن است صدور سند تجاری، متکی بر معامله واقعی پایه میان اشخاص دخیل در سند نباشد یا اینکه حتی در صورت اتکا بر چنین معامله‌ای، مراجع رسمی در مقام استیفای حقوق دارنده، نسبت به آن بی‌اعتنا باشند. موارد زیر، مصادیق بارز چنین وضعیتی به شمار می‌روند:

۱. برات سازشی

رابطه حقوقی که در آن، «الف» به واسطه خرید کالا به جای پرداخت ثمن به فروشنده (ج)، وی را برای دریافت ثمن به شخص ثالثی که بدهکار وی به شمار نمی‌رود (ب)، معرفی کند، حواله بر غیر بدهکار (حواله ناقص) نامیده می‌شود. عده‌ای از فقها چنین حواله‌ای را ولو اینکه محال علیه، آن را قبول نماید، صحیح نمی‌دانند. با این حال، مشهور فقها ضمن پذیرش صحت آن، بر لزوم وجود قبول چنین حواله‌ای، از سوی شخص اخیر، آن را از اراده محیل و محال له مهم‌تر به حساب آورده و تابع قواعد احکام عقد ضمان قرار دادند (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۰۶). مواد ۷۲۴ و ۷۲۷ قانون مدنی، مؤید همین معنی است.

به‌عنوان قاعده کلی، صدور سند تجاری، متکی بر معامله واقعی پایه میان فروشنده و خریدار می‌باشد که برای پرداخت بهای کالاهای خریداری شده صادر می‌گردد. در این صورت اگر سند، برات باشد، برات تجاری^۱ نامیده می‌شود. صدور چنین براتی، ظهور در بدهی صادرکننده و طلب دارنده برات دارد و اعتبار، ارزش و قابلیت نقل و انتقال خود را از این واقعیت و محل خود به دست می‌آورد (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۱۷۱). با این حال، صدور هر براتی، لزوماً حاکی از وقوع معامله تجاری واقعی نمی‌باشد بلکه ممکن است صدور آن، صرفاً جهت دادن اعتبار از طرف برانگیر، مورد قبول قرار گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۳۶۳). چنین سندی، «برات سازشی» نامیده می‌شود؛ بنابراین، برانگیر بدون اینکه هیچ‌گونه بدهی به صادرکننده برات داشته و قصد پرداخت وجه آن را داشته باشد، رضایت می‌دهد که براتی بر روی او کشیده شود تا صادرکننده برات—که معمولاً وضع مالی مناسبی ندارد—از این طریق بتواند اعتباری، تحصیل نموده و با تنزیل آن، جوهری را برای ادامه کار به دست آورد. صادرکننده چنین براتی، تعهد می‌کند که شخصاً وجه آن را در سررسید پرداخته و از جریان خارج نماید (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۴۳). گفته می‌شود که برخی حقوقدانان فرانسه، برات سازشی را به دلیل وجود علت نامشروع، باطل اعلام کردند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۴۳؛ اخلاقی، ۱۳۷۱: ۱۷۱) اما عده‌ای دیگر میان برات عادی و سازشی تفاوتی قائل نشده و در هر دو صورت، چنین براتی را نسبت به دارنده با حسن نیت، معتبر شمردند (اسکینی، ۱۳۷۳: ۵۶). ظاهراً موضع حقوق آلمان نیز در برابر برات سازشی مانند برات عادی است؛ زیرا در این کشور، وصف تجریدی بودن برات، پردازش شده است (ستوده

^۱ Trade bill

تهرانی، ۱۳۸۸، ۳: ۴۲). با این حال، موضع حقوق تجارت ایران در مورد برات سازشی، صراحتاً بیان نشده است. بند ۳ ماده ۵۴۱ قانون تجارت، تاجری را که به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود، وسایلی، دور از صرفه مانند صدور برات را برای تحصیل وجه به کار برده باشد، ورشکسته به تقصیر شناخته است. به نظر برخی از حقوقدانان، این ماده در مورد صدور برات سازشی است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲؛ فخاری، بی تا: ۷۱). اگر چه برخی نویسندگان، برات سازشی را باطل می‌دانند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۲؛ اسکینی، ۱۳۷۸: ۸۴) بیشتر حقوقدانان آن را حداقل در مورد دارنده‌ای که آن را بدون سوء نیت تحصیل کرده باشد، معتبر می‌شمارند (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۱۷۲؛ اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۵۸).

۲. برات رجوعی

دارنده براتی - که وجه آن در سررسید، پرداخت نشده است - هرگاه طبق مقررات قانونی واخواست نموده باشد، می‌تواند از حقی که ماده ۲۴۹ قانون تجارت در اختیار او گذاشته است، استفاده نموده و علیه متعهدین آن (صادرکننده، قبول‌کننده، ظهرنویس و ضامن، حسب مورد) در مراجع صالح، اقامه دعوی نماید. دارنده چنین براتی در بسیاری از موارد می‌تواند به جای مراجعه مکرر به اشخاص امضاکننده مذکور و طرح دعوی علیه آنها، براتی با مبلغ بیشتر بابت مخارج انجام شده بر عهده صادرکننده یا یکی از ظهرنویسان، صادر و با تنزیل آن نزد بانک خود، وجه آن را دریافت نماید. ماده ۲۹۸ قانون تجارت، بیانگر چنین راه‌حلی است: «برات رجوعی، براتی است که دارنده برات اصلی، پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض‌نامه و تفاوت نرخ به عهده برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها صادر می‌کند».

از ماده مذکور و همچنین مواد ۲۹۹ و ۳۰۰ قانون تجارت این نتیجه به دست می‌آید که مبلغ برات رجوعی، عبارت است از مبلغ برات اعتراض شده به اضافه مخارج اعتراض‌نامه و سایر مخارج مانند حق‌العمل صراف، دلال، هزینه تمبر، مخارج پستی، مبلغ تفاوت نرخ حسب مورد. چنانچه ملاحظه گردید، برات رجوعی به هیچ وجه، متکی به رابطه‌ای پایه معاملاتی نیست. حتی قبول برات - که یکی از ارکان شکل‌گیری و کمال آن است - مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دارنده برات اصلی اعتراض شده به جای مراجعه به مراجع قضایی - که برای رسیدگی به ماهیت دعوی مشخص شده است - شخصاً، قاضی کار خود شده و مبلغ اصلی برات اعتراض شده را به اضافه سایر مخارج - که هیچ کدام به یک رابطه معاملاتی مربوط نمی‌شود - مطالبه می‌نماید. با اینکه در ضمان مدنی، ضامن، فقط مسئول پرداخت اصل دین بوده و حتی در مسئولیت تضامنی مندرج در حقوق تجارت نیز صادرکننده، ظهرنویس و... مسئول پرداخت اصل دین می‌باشند، در برات رجوعی، مسئولیت آنها از اصل دین قبلی فراتر می‌رود. از این رو، در صورتی که فرض شود، مبلغ اصلی برات اعتراض شده، متکی به رابطه پایه است، در مورد مخارج اضافی چنین تصویری وجود ندارد.

۳. چک لازم‌الاجرا

یکی از مزایای چک، نسبت به سایر اسناد مدنی حتی برات و سفته، امکان طرح دعوی و مطالبه وجه آن از طریق اجرای ثبت می‌باشد. بر اساس ماده ۲ قانون صدور چک، چک در حکم اسناد لازم‌الاجرا بوده و دارنده آن می‌تواند مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه مندرج در چک را هرگاه تعهد مندرج در آن، حال، منجز و مسلم باشد و به عبارت بهتر، مفاد چک برای اجرا به هیچ وجه، نیاز به رسیدگی قضائی نداشته باشد، از صادرکننده آن (و صاحب حساب) وصول نماید (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). از مجموع مقررات موجود، استنباط می‌شود که برای صدور اجرائیه در مورد چک از طریق اجرای ثبت، سه شرط اساسی زیر یعنی بانک بودن محال علیه، تأیید مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای او در بانک در گواهینامه عدم پرداخت و فرا رسیدن موعد پرداخت، باید رعایت شود (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۱۲). صدور دستور اجرای مبلغ مندرج در چک در اجرای ثبت به معنی لزوم دریافت وجه آن بدون ورود در ماهیت و رابطه پایه معاملاتی است زیرا رسیدگی به ماهیت دعوی در صلاحیت قاضی قرار دارد و نه مأمور اجرای ثبت. حتی شورای عالی ثبت در نظریه مورخ ۴۶/۱۲/۸ درخواست توقّف عملیات اجرایی ثبت را در مورد اجرائیه‌ای - که به نفع دارنده، صادر شده است - به استناد محکومیت ظهرنویس در دعوی مطالبه وجه چک، توسط صادرکننده بعد از صدور گواهینامه عدم پرداخت از طرف بانک، رد نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰:

۵۲۶) این امر، نشان می‌دهد که حتی قضاات نیز نباید در مورد چک، وارد روابط موجد حق شوند. از اینکه اجرای ثبت بدون ورود در ماهیت روابط موجد حق، مبلغ چک را از صادرکننده می‌گیرد، معلوم می‌شود که رابطه‌ای که با چک میان اطراف آن، ایجاد شده است، مستقل از رابطه پایه می‌باشد. چنانکه اجرای ثبت در اجرائیه‌ای-که علیه امضاکننده چک و صاحب حساب صادر می‌نماید- جز در موارد استثنائی-که دارنده، بانک باشد- خسارت تأخیر تأدیه را موضوع اجرا قرار نمی‌دهد (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۱۸). رأی شماره ۲۲۶-۱۳۷۱/۴/۳۱-۱۳۷۱ صادره از شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معنی است: «لازم نیست چک در مقابل بدهی صادر و تسلیم شده باشد؛ زیرا چک از جمله اسناد تجارتي است که در بازار بین تجار رد و بدل می‌شود بدون اینکه دارندگان آن، بعضاً صادرکننده چک را بشناسند و یا از انگیزه صدور آن، اطلاع داشته باشند...» (اباذری فومشی و باغبانی، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

۲. تفکیک میان روابط ابزاری

ابزاری مانند برات-که دارای امضای برات‌دهنده است- زمانی کامل می‌شود که براتگیر نیز آن را قبولی نوشته و امضاء نماید. در صورت نکول آن از سوی براتگیر یا امتناع از قبول یا نکول، به موجب ماده ۲۳۹ قانون تجارت ممکن است شخص ثالثی، آن را قبول نماید. علاوه بر این، دارنده چنین ابزاری، ممکن است بخواهد با گرفتن وجه مندرج در ابزار، آن را به شخص ثالثی منتقل سازد. از این رو، وی از طریق ظهرنویسی، آن را به دیگری، منتقل می‌سازد. هر دارنده بعدی نیز می‌تواند از همین طریق، آن را به دیگری انتقال دهد. از این گذشته، ممکن است انتقال گیرنده به اشخاص امضاکننده به لحاظ توانایی پرداخت در سررسید و داشتن اراده جدی برای این منظور، اعتماد و اطمینان لازم را نداشته باشد و امضاکننده، مجبور شود از طریق معرفی ضامن و درج امضای او در ابزار، این نگرانی را برطرف نماید. در چک و سفته نیز تمام امضاهای مذکور به جز امضای براتگیر و قبول کننده ثالث، ممکن است در ابزار درج گردد؛ به عبارت دیگر، ابزار مبادله پذیر، ممکن است متضمن امضاهای صحیح، جعلی، مربوط به اشخاص موهوم، مجهول یا فاقد اهلیت باشد و یا اینکه برخی امضاها از طریق اکراه، اشتباه یا تدلیس، تحصیل شده باشد. در چنین وضعیتی، وابستگی امضاهای مندرج در متن و ظهر ابزار به یکدیگر یا استقلال آنها نسبت به هم مطرح می‌شود. قانون تجارت ایران در مورد وابستگی یا استقلال امضاهای مندرج در متن و ظهر ابزار مبادله پذیر، موضع صریحی، اتخاذ نموده است و نویسندگان حقوق تجارت نیز در این مورد، اتفاق نظر ندارند. درحالی که عده‌ای، قبولی شخص ثالث را- در صورتی که برای حمایت از شخصی باشد که امضای او جعل شده است- فاقد اثر معرفی نمودند (اخلاقی، بی تا: ۲۵) نظر دیگر در این مورد، آن است که در صورت بطلان تعهد شخصی که قبولی برای او داده شده است، مسئولیت ناشی از ابزار مبادله پذیر از قبول کننده ثالث، سلب نمی‌گردد (صقری، ۱۳۸۰، ۱: ۱۳۸). در همین راستا، در صورت عدم اهلیت و فقدان رضا در مضمون عهده، به استناد ماده ۶۸۷ قانون مدنی-که ضمان از شخص مجبور را پذیرفته است- مسئولیت ضامن، معتبر شناخته شده است (اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

مطابق اصل استقلال امضاها هر امضای مندرج در متن یا ظهر ابزار مبادله پذیر، مستقل از امضاهای دیگر در نظر گرفته می‌شود، به طوری که بطلان یک یا چند امضا، موجب بطلان دیگر امضاهای موجود در ابزار نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، هر امضا به طور مستقل و بدون توجه به سایر امضاها بیانگر تعهد امضاکننده می‌باشد. مفهوم اصل استقلال امضاها، برخلاف دیدگاه برخی نویسندگان حقوق ابزارهای مبادله پذیر، مبنی بر اینکه هرگاه ابزار مبادله پذیر به گردش درآمده و از طریق ظهرنویسی به اشخاص ثالث منتقل شود، فقدان هر یک از شرایط اساسی، موجب سلب اعتبار ابزار مبادله پذیر و مسئولیت سایر امضاکنندگان ابزار نخواهد بود (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۲۲)، بنا بر اصل مذکور حتی زمانی که ابزار مبادله پذیر به گردش درآمده و از طریق ظهرنویسی به اشخاص ثالث منتقل نشده است، فقدان برخی شرایط اساسی، اعتبار ابزار مبادله پذیر و مسئولیت دیگر امضاکنندگان ابزار را مخدوش نمی‌نماید. علاوه بر این، برخلاف آنچه که علت تأسیس اصل استقلال امضاها را حمایت از دارنده با حسن نیت ابزار اعلام شده است، مطابق این اصل میان دارنده دارای حسن نیت و فاقد حسن نیت، تفاوتی نیست. بنا بر اصل استقلال امضاها، وجود ایراداتی در برخی امضاهای ابزار، موجب سلب مسئولیت از متعهدان براتی-که امضای آنها در ابزار وجود

دارد- نمی‌شود. دامنه‌ی نفوذ و اجرای این اصل وسیع است؛ در مورد اعمال آن، تفکیک امضای صادرکننده و ظهرنویس یا ضامن جایز نیست. اصل مزبور به هر فرض و موردی که امضا یا تعهد یک یا چند نفر از امضاکنندگان یا متعهدان ابزار مبادله‌پذیر، به جهتی از جهات باطل باشد، تسری دارد.

۳. آثار ابزار مبادله‌پذیر

ابزارهای مبادله‌پذیر در صورت رعایت شرایط شکلی و تشریفات قانونی، آثار ایجاد می‌نمایند که دارای خصیصه اقتصادی می‌باشد:

۳-۱. امکان مطالبه پیش از سررسید

بخشی از تعهدات میان اشخاص که فاقد سررسید می‌باشد، پس از ایجاد باید فوراً به اجرا درآیند. چنین تعهداتی، حال نامیده می‌شود اما موعد اجرای برخی از آنها ممکن است با رضایت اطراف یا به حکم عرف یا قانون به مدتی بعد موکول گردد که به آن، تعهد مؤجل، اطلاق می‌گردد.

در این مورد که آیا طلبکار می‌تواند به میل خود پیش از فرا رسیدن اجل طلب، آن را مطالبه نماید میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. البته بر اساس اصول حقوقی هرگاه دین، مؤجل بوده و اجل به نفع بدهکار باشد، طلبکار نمی‌تواند پرداخت آن را پیش از موعد درخواست کند. چنانکه مطابق ماده ۲۵۶ قانون تجارت کسی که وجه برات را قبل از سررسید بپردازد در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه آن، حقی دارند، مسئول به شمار می‌رود. ماده مذکور، فرضی را بیان می‌نماید که وجه برات به غیر از دارنده واقعی آن پرداخت شده باشد مانند اینکه برات گم شده یا به سرقت رفته باشد (اسکینی ۱۳۷۸، ۱۲۳). با این حال در حقوق ابزارهای مبادله‌پذیر، مواردی پیش‌بینی شده است که اشخاص مسئول برات را ملزم به پرداخت قبل از سررسید نموده و طلبکار می‌تواند مسئولین آن را به پرداخت پیش از موعد مجبور سازد.

عدم قبول برات از سوی براتگیر، یکی از این موارد به شمار می‌آید. در صورت قبول نشدن برات، اگرچه ممکن است، براتگیر در برابر صادرکننده به لحاظ مدنی، مسئول باشد، هیچ مسئولیت براتی، متوجه وی نمی‌شود با این حال ممکن است آثار عدم قبول آن، دامن‌گیر اشخاص دیگری شود که آن را امضا نمودند مشروط بر اینکه اعتراض نکول انجام شده باشد. علت این امر، آن است که امضاکنندگان آن، ضمن صدور، ظهرنویسی و ضمانت، حسب مورد، قبولی آن، توسط براتگیر را نیز تضمین می‌نمایند. البته باید توجه نمود که به صرف انجام اعتراض نکول، برات مؤجل، حال نخواهد شد بلکه پس از آن، دارنده، حق پیدا می‌کند که از امضاکنندگان آن برای پرداخت وجه آن در سر وعده، ضامن یا تضمین بخواهد. بدیهی است که در صورت عدم معرفی ضامن و حتی در صورت معرفی ضامن و عدم موافقت دارنده با انعقاد قرارداد ضمانت یا ارائه نکردن تضمین متناسب، برات مؤجل به برات حال تبدیل می‌شود. هرگاه برات حال شود، دارنده می‌تواند بدون انجام اعتراض عدم پرداخت به سایر امضاکنندگان، مراجعه نموده و از تمام حقوقی که قانون برای برات اعتراض شده مقرر نمود، برخوردار گردد (اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

طبق ماده ۲۳۸ قانون تجارت نیز در مواردی که براتگیر، براتی را قبول کرده ولیکن وجه آن را در سررسید پرداخت نکرده و به صدور اعتراض‌نامه عدم پرداخت منتهی شده باشد و همان براتگیر، برات دومی را قبول کرده که سررسید آن هنوز فرانسیده باشد، دارنده برات دوم حق دارد از براتگیر، ضامن بخواهد یا از او درخواست کند که پرداخت وجه مندرج در آن را به نحو دیگری تضمین کند. اگرچه در ماده مذکور، ضمانت اجرای عدم معرفی ضامن یا دادن تضمین پرداخت در سررسید، ذکر نشده است، به نظر برخی نویسندگان حقوق تجارت با توجه به وحدت ملاک ماده ۲۳۷ قانون اخیر هرگاه براتگیر نه ضامن معرفی کند و نه تضمین دهد، طلب ناشی از برات، حال می‌شود (فخاری، بی‌تا: ۴۰؛ اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). البته مطالبه وجه، مستلزم اعتراض عدم تأدیه خواهد بود. عده‌ای نیز عقیده دارند که ماده ۲۳۸ قانون تجارت صرفاً براتگیر را مکلف به معرفی ضامن یا دادن تضمین به نحو دیگر مثلاً ضمانت بانکی نموده و فاقد ضمانت اجرای دیگری می‌باشد (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۱۴۶؛ صقری، ۱۳۸۰: ۱؛ ۲۷۱). اگرچه این دیدگاه با اصل استقلال رابطه ناشی از هر ابزار در برابر سایر روابط سازگاری دارد، تفسیر اول با ماده ۲۳۸ قانون تجارت، همخوانی بیشتری نشان می‌دهد.

۳-۲. امکان قبول و پرداخت جزئی

برخلاف حقوق مدنی-که در آن، قبول جزئی ایجاب و همچنین و پرداخت جزئی تعهد با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد، در حقوق ابزارهای مبادله‌پذیر چنین موانعی در مسیر گردش ثروت برداشته شده است:

۱. امکان قبول جزئی

ارادهٔ مخاطب ایجاب بر انشاء ماهیت حقوقی، «قبول» نام دارد و بر اساس قاعده‌ای سنتی، قبول‌کننده نمی‌تواند بر آنچه موجب، انشاء نموده است چیزی بیفزاید یا کم کند، بلکه باید قبول را کاملاً منطبق با مفاد ایجاب، انشاء و اعلام نماید. مطابق مادهٔ ۱۹۴ قانون مدنی: «الفاظ، اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیلهٔ آن انشاء می‌نمایند باید موافق باشد...». علاوه بر این، مادهٔ ۳۳۹ قانون مذکور می‌افزاید: «پس از توافق بائع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع با ایجاب و قبول واقع می‌شود». از این رو، از قبول به عنوان «آینه» تعبیر شده است، به این معنی که باید انعکاس‌دهندهٔ تمام محتویات ایجاب باشد، در غیر این صورت، قبول، محسوب نمی‌شود، بلکه ایجاب متقابل و در واقع به منزله رد ایجاب اصلی به حساب می‌آید که در صورت قبول ایجاب‌کننده اصلی، قرارداد منعقد خواهد شد، با این حال، مادهٔ ۸۳۲ قانون مدنی در حکمی استثنایی اشعار می‌دارد: «موصی له می‌تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند. در این صورت، وصیت نسبت به قسمتی که قبول شد، صحیح است». در حقوق ابزار مبادله‌پذیر، همان‌طور که برات‌گیر، ملزم نیست که حتماً برات را قبولی بنویسد، در صورت تمایل به قبول نیز الزامی ندارد تمام مبلغ مندرج در برات را قبول نماید بلکه مطابق مادهٔ ۲۳۲ قانون تجارت: «ممکن است قبولی، منحصر به یک از قسمت از وجه برات باشد...».

۲. امکان پرداخت جزئی

شرط عمومی وفای به عهد، یگانگی اجرای تعهد و مفاد آن می‌باشد و متعهد باید آنچه را که به عهده گرفته است، انجام دهد، خواه موضوع آن، انتقال و تسلیم مال باشد یا انجام کار یا خودداری از انجام آن. یکی از نتایج این یگانگی در حقوق مدنی، آن است که مجموع تعهد یکجا انجام شود و مدیون نتواند آن را به اقساط مبدل سازد، زیرا تجزیه در پرداخت دین و انجام تعهد از ارزش آن می‌کاهد و تعهدی که به اقساط انجام می‌شود به همان اندازه ارزش ندارد که متعهد در قرارداد بر عهده گرفته است هر چند که انجام مجموع تعهد، دیرتر انجام شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۵۴: ۴)، از این رو، طلبکار می‌تواند همهٔ تعهد را - در صورتی که به اقساط نباشد- یکجا مطالبه کند و مطابق قسمت اول مادهٔ ۲۷۷ قانون مدنی: «متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید...». مفهوم مخالف قاعدهٔ مذکور، آن است که هرگاه طلبکار به تجزیهٔ دین رضایت دهد، اشکالی ندارد، اما طبیعت حقوق ابزارهای مبادله‌پذیر، نیازها و ضرورت‌های ویژهٔ تجار و لزوم سرعت، اقتضاء دارد که دارندهٔ برات نتواند پرداخت جزئی از برات را نپذیرد؛ زیرا دریافت همین مبلغ جزئی، موجب می‌شود که از یک طرف، دارنده، بدهی خود را به تجار دیگر پرداخت نماید و طلبکاران او نیز-که به نوبهٔ خود به دیگران بدهکارند- بدهی خود را به همان مبلغ بپردازند. از طرف دیگر، سایر مسئولین برات اعم از برات‌دهنده و ظهرنویسان نیز به همان مقدار، بری الذمه شده و در صورت ورشکستگی برات‌گیر در آینده از بخشی از تعهدات خود معاف شوند (اخلاقی، ۱۳۷۱: ۱۴۸؛ اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۳۳). علاوه بر این، مادهٔ ۲۶۸ قانون تجارت مقرر نمود: «اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها بری الذمه می‌شوند...».

از برخی نویسندگان حقوق تجارت نقل شده است که امتناع از دریافت جزئی از مبلغ برات، موجب سقوط حق دارندهٔ برات به سایر متعهدین آن بوده و حتی دارنده نیز نمی‌تواند نسبت به مبلغ قابل پرداخت، اعتراض عدم پرداخت کند (فخاری، بی‌تا: ۴۰). به نظر می‌رسد که قسمت اخیر مادهٔ ۲۶۸ قانون تجارت که مقرر کرد: «... و دارندهٔ برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند» مؤید همین معنی است. عده‌ای دیگر، نیز پیشنهاد نمودند که برات‌گیر برای رفع مسئولیت از خود، نسبت به آن قسمت-که قابل پرداخت می‌باشد- طبق مادهٔ ۲۷۳ قانون مدنی آن، مبلغ جزئی را در صندوق دادگستری یا ثبت اسناد و املاک تودیع کند (اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۳۳): «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیلهٔ تصرف دادن آن به حاکم یا قائم‌مقام او، بری

می‌شود...»؛ بنابراین اگرچه در رابطه اصلی، طلبکار مجبور نیست که پرداخت جزئی از موضوع طلب خود را بپذیرد، اما بر اساس ملاحظات موجود در حقوق ابزار مبادله‌پذیر، دارنده، مجبور است، پرداخت جزئی از مبلغ برات را بپذیرد.

۳-۳. لزوم پذیرش پرداخت ثالث

در حقوق مدنی، اصلی تحت عنوان «عدم ولایت» وجود دارد که بر اساس آن علی‌القاعده، هیچ‌کس بر دیگری ولایتی ندارد تا در امور او دخالت نماید؛ بنابراین کسی نمی‌تواند بدون داشتن اختیاری که از طریق وکالت، وصایت، ولایت و غیره به دست می‌آید برای دیگران تصمیم بگیرد اما ضرورت‌های زندگی اجتماعی، موجب می‌شود که بر اصل بالا، استثنائاتی وارد شود از جمله اینکه هرچند فقط مدیون (خواه مدیون اصلی یا ضامن او) ملزم است دین را بپردازد، با این حال لزومی ندارد که او شخصاً به این کار اقدام کند بلکه شخصی غیر از می‌تواند بدون اذن مدیون و حتی با وجود مخالفت او دین او را پرداخت کند. از آنجا که «دین» جنبه منفی رابطه حقوقی به حساب می‌آید، دخالت در پرداخت آن حتی بدون اذن مدیون، مطابق ماده ۲۶۷ قانون مدنی، مجاز شناخته شده است. عده‌ای از نویسندگان حقوقی این ویژگی را ناشی از این واقعیت معرفی کرده‌اند که ایفاء تعهد عمل حقوقی مانند ایفاء نیست که لازم باشد از طرف خود مدیون یا نماینده او واقع شود بلکه پدیده و واقعه حقوقی است که اگر واقع شود اثر حقوقی خود را بر جا می‌گذارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۱-۷؛ صفایی، ۱۳۸۲: ۲۳۵) اما به عقیده عده‌ای دیگر، ایفاء تعهد، در صورتی که مستلزم انتقال مالکیت یا حقی به متعهد له باشد مانند تسلیم فردی از افراد مبیع کلی به خریدار، عمل حقوقی (ایفاء) و در غیر این صورت مانند تسلیم اتومبیل معین به خریدار عمل ساده قضایی است (شهیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). با وجود این در مورد تعهداتی که وابسته به شخصیت مدیون باشد مانند تعهد به نوشتن کتاب توسط حقوقدانی، معروف، ماده ۲۶۸ قانون مدنی، ایفاء تعهد باید از طرف خود متعهد انجام شود مگر اینکه متعهد له (طلبکار) از این ویژگی عدول نموده و اقدام دیگران را بپذیرد.

در حقوق اسناد تجاری نیز پرداخت دین از طرف ثالث و حتی بدون نیاز به کسب موافقت مدیون، جایز می‌باشد و از این جهت مقررات حقوق تجارت با مقررات حقوق مدنی، سازگاری دارد. لذا چنانچه وجه برات در سررسید توسط براتگیر پرداخت نشود به اعتبار برات دهنده و ظهرنویسان لطمه وارد می‌شود و از آنجا که در برابر دارنده سند، مسئولیت تضامنی دارند، خطر آنها را نیز تهدید می‌کند تا جایی که ممکن است در مرز ورشکستگی قرار گیرند. از این رو، ماده ۲۷۰ قانون تجارت مقرر داشت: «هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید...»؛ اما دخالت ثالث در روابط ابزاری و با نهاد ایفاء دین از جانب غیر مدیون در روابط اصلی و ماهوی تفاوت‌هایی دارد: نخست اینکه در روابط پایه، دخالت غیر مدیون در پرداخت دین، مستلزم مطالبه از سوی داین (طلبکار) و احراز عدم پرداخت از جانب مدیون نیست این در حالی است که طبق ماده ۲۷۰ قانون تجارت پرداخت کننده ثالث، صرفاً پس از اعتراض عدم تأدیبه می‌تواند وجه برات را بپردازد دوم اینکه، شخص ثالث در روابط پایه، دین را به نفع مدیون پرداخت می‌نماید این در حالی است که مطابق ماده ۲۷۰ قانون تجارت، پرداخت برات توسط ثالث برای حمایت از برات دهنده و ظهرنویسان است نه براتگیر مدیون زیرا مداخله شخص ثالث به نفع برات‌گیری که برات را قبول و با وجود اینکه متعهد و مدیون اصلی و واقعی شناخته می‌شود، از انجام تعهد خودداری کرده است، قابل احترام نیست تا نهاد حقوقی «پرداخت به وسیله شخص ثالث» به نفع او ایجاد شود (فخاری، بی‌تا، ۵). سوم اینکه، بر اساس ماده ۲۶۷ قانون مدنی در روابط پایه، غیر مدیون پس از پرداخت دین در صورتی می‌تواند به مدیون مراجعه کند که قبلاً از وی اذن گرفته باشد و حق مراجعه به مدیون به جانشینی از طلبکار نیست؛ اما در روابط سندی، ماده ۲۷۱ قانون تجارت به شخص ثالثی که وجه آن را پرداخت کرده باشد اگرچه از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان - که از طرف او پرداخت می‌کند - اذن نداشته باشد، حق مراجعه به آنها و حتی براتگیر را دارد. به‌رغم ماده مذکور، از ماده ۲۷۲ قانون تجارت برمی‌آید که شخص ثالثی که وجه برات را کارسازی کرده است هرگاه به نفع صادرکننده اقدام کرده باشد، حق مراجعه به هیچ ظهرنویس را ندارد و اگر از طرف یکی از ظهرنویسان پرداخت کرده باشد، حق مراجعه به ظهرنویسان بعد از او را از دست می‌دهد با این حال حق مراجعه به صادرکننده، ظهرنویسی - که به نفع او دخالت کرده - و ظهرنویس‌های ماقبل او و براتگیر را دارد. چهارم اینکه اصل بر این است که مدیونی که به ثالث اذن در پرداخت می‌دهد در انتخاب طرف مقابل (و در اینجا ثالث غیر مدیون) آزادی

عمل دارد و هرگاه چند شخص برای ادای دین حاضر شوند، مدیون می‌تواند از میان چند غیر مدیون داوطلب پرداخت، یکی را به دلخواه انتخاب کند یا با همه مخالفت نماید. در مواردی که چند نفر به صورت متوالی مالی را در اختیار داشته و به طور تضامن، مسئول انجام تعهدی باشند مانند دادن مثل یا قیمت مال مغضوب تلف شده، در صورتی که چند شخص ثالث بخواهند هر کدام از طرف یک نفر از مسئولین، مثل یا قیمت را بدهند، مالک (طلبکار) مخیر است از میان آنها یکی را انتخاب کند او حتی می‌تواند میان اشخاص مسئول نیز تبعیض کند اما هرگاه تعهد قائم به شخص مدیون نباشد و طلبکار از قبول پرداخت امتناع کند، غیر مدیون می‌تواند به استناد ماده ۲۷۳ قانون مدنی آن را به تصرف حاکم یا قائم‌مقام او دهد اما در حقوق اسناد تجاری هرگاه چند غیر مدیون (ثالث)، قصد پرداخت وجه برات از طرف یکی از مسئولین آن را داشته باشند، علی‌القاعده، طلبکار در انتخاب پرداخت‌کننده، آزادی عمل دارد و می‌تواند دست به انتخاب بزند و حتی می‌تواند پرداخت از طرف هیچ کدام را نپذیرد اما هرگاه با همه مخالفت کند، بدون تردید نمی‌تواند وجه برات را از همان مسئول، مطالبه نماید. علاوه بر این، در حقوق اسناد براتی به دلیل اهمیت تصفیه دین مسئولین سند در مواردی که چند شخص حاضر شوند از طرف چند مسئول متوالی، دین را پرداخت کنند، دارنده برات نمی‌تواند از میان آنها یکی را به دلخواه انتخاب کند بلکه او مجبور است شخصی را انتخاب کند که با پرداخت او تعداد بیشتری از مسئولین، بری الذمه شوند. همان‌گونه که با پرداخت وجه موضوع سند از طرف یکی از مسئولین تضامنی، اشخاصی که بعد از او تعهداتی در برات نموده‌اند، بری الذمه خواهند شد. هرگاه شخص ثالثی نیز وجه برات را از طرف یکی از مسئولین آن بپردازد آن مسئول و اشخاصی که پس از او تعهداتی در برات نموده‌اند بری خواهند شد.

پنجم اینکه، هر چند بسیاری از فقها، رضایت مدیون (مضمون عنه) را در انعقاد عقد ضمان شرط نمی‌دانند، آن را شرط استمرار و استقرار ضمان عرفی می‌نمایند به طوری که در ضمان تبرعی، مخالفت مدیون، موجب بطلان عقد ضمان خواهد بود (بغدادی، ۱۴۱۰ ق: ۸۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق: ۳۱۴) این دسته از فقها اصل در ادای دین را متوقف بر اذن و اعلام رضای مدیون نمی‌دانند؛ اما هرگاه مدیون، مخالفت بورزد، موجب بطلان عقد ضمان می‌شود و نقل ذمه محقق نخواهد شد یا به تعبیر دیگری که ابن ادریس فرمودند: رضایت، مدیون، شرط انعقاد عقد ضمان نیست، با این حال، استقرار و لزوم عقد ضمان متوقف بر عدم اعلام مخالفت او می‌باشد. چنین امری در پرداخت تبرعی دین دیگری قابل تصور است؛ زیرا در پرداخت غیر تبرعی، تعهد ثالث به درخواست خود مدیون یا اذن او به قبول پرداخت تحقق می‌یابد. حکم ماده ۲۶۷ قانون مدنی مبنی بر امکان پرداخت دین دیگری بدون اذن مدیون، به مورد غالب و اطلاق حمل شده است و دلالت بر بی‌تأثیر بودن مخالفت مدیون در استقرار انتقال ندارد (آهنگران و رضائزاد، ۱۴۰۱، ۸۵). با این حال، مخالفت بدهکار ابزار مبادله پذیر به هیچ وجه معتبر نبوده و شخص ثالث، مؤثر خواهد بود.

به جهت ملاحظات فوق طبق ماده ۲۷۳ قانون تجارت در مواردی که چند شخص از طرف چند امضاء کننده متوالی برات، حاضر به پرداخت وجه آن باشند دارنده برات مکلف است پرداخت شخصی را بپذیرد که با پرداخت او عده بیشتری از مسئولین برات بری الذمه می‌شوند. برای مثال، اگر پنج شخص براتی را ظهرنویسی نموده باشند پس از عدم پرداخت و اعتراض، شخصی ثالثی، حاضر شود به نفع ظهرنویس سوم و شخص ثالث دیگری حاضر شود به نفع ظهرنویس دوم و دیگری نیز حاضر شود به نفع برات‌دهنده، وجه برات را بپردازد. دارنده برات موظف است پیشنهاد شخص ثالثی را بپذیرد که وجه برات را به نفع برات‌دهنده می‌پردازد چراکه با پرداخت توسط شخص اخیر، ظهرنویسان اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم و برات‌دهنده نیز بری الذمه می‌شوند و دارنده (شخص اخیر) فقط می‌تواند به برات‌دهنده و براتگیر مراجعه کند. با چنین توجیهی اگر خود براتگیر پس از اعتراض حاضر شود وجه برات را بپردازد بر هر شخص دیگری ترجیح دارد زیرا با این اقدام، تمام ظهرنویسان و حتی برات‌دهنده و ضامن هریک از آنها نیز بری می‌شوند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که هرگاه دارنده برات از قبول پرداخت توسط اشخاص یا شخصی که با پرداخت توسط او مسئولین بیشتری بری الذمه می‌شوند، امتناع کند با چه ضمانت اجرای قانونی روبرو خواهد شد؟ قانون تجارت در این مورد حکم خاصی ندارد اما نویسندگان حقوقی به تبعیت از قانون متحدالشکل ژنو، عقیده دارند که هرگاه دارنده برات، پرداخت توسط شخص یا اشخاص ثالث را نپذیرد، حق مراجعه به کسانی را که پرداخت توسط ثالث می‌توانست موجب برات ذمه آنها شود، از دست می‌دهد (اخلاقی، ۱۳۷۱، ۱۴۸؛ اسکینی، ۱۳۷۸، ۱۳۷).

۳-۴. امکان تأمین فرائیر

معمولاً کسی که خود را به واسطه وجود رابطه‌ای ذی‌حق می‌داند قبل از توسل به مراجع قضایی، حق مورد ادعای خود را به‌طور مسالمت‌آمیز مطالبه می‌نماید و زمانی به دادگاه متوسل می‌شود که کارد به استخوان او رسیده باشد. از زمان اقامه دعوا تا زمان صدور حکم و سپس صدور اجرائیه و اجرای آن، معمولاً باید مدتی، نسبتاً طولانی سپری شود تا امکان اجرای حکم دادگاه فراهم آید. لزوم طی مدت مذکور، خوانده را - که از همان ابتدا منکر حق مورد ادعای خواهان بوده است - در موقعیتی قرار می‌دهد که از طریق جابجایی اموال منقول و وجوه نقد و نقل و انتقال اموال غیرمنقول خویش، اجرای حکم را - که به‌سختی و با صرف وقت و هزینه فراوان به دست می‌آید - با موانعی روبرو سازد یا اینکه آن را غیرممکن نماید. علاوه بر این، طولانی بودن مدت مذکور، ممکن است موجب شود، اموالی که قبل و در زمان اقامه دعوا در اختیار و مالکیت خوانده بوده تا زمان اجرای حکم یا تعدی یا تفریط، ارزش خود را از دست داده یا اینکه متعلق حق دیگران قرار گیرد. از این‌رو، قانون‌گذار در برابر حفظ حقوق مورد ادعای خواهان، نهادهایی را پیش‌بینی نموده است که از جمله آنها «قرار تأمین خواسته» است. تأمین خواسته به این معنی که خواهان می‌تواند حتی قبل از اقامه دعوا خواسته را از دسترس خوانده و بستانکاران وی حفظ کرده و در امنیت قرار دهد و بدین‌وسیله انگیزه او در طولانی کردن دادرسی و تأخیر در اجرای حکم را کاهش دهد. برخلاف حکم دادگاه که اول باید ابلاغ و پس از مهلت ۱۰ روزه و عدم اجرای داوطلبانه به زور اجرا شود، قرار تأمین خواسته پس از ابلاغ، فوراً اجرا شده و در موارد مقتضی، ممکن است نخست، اجرا و سپس ابلاغ شود.

قرار تأمین خواسته، به‌رغم فایده‌مندی، در تمام دعوی، قابل استفاده نبوده و مطابق بندهای ۱ تا ۴ ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۲۱۸ مکرر قانون مدنی، صرفاً در مواردی به کار می‌رود که احتمال صدور حکم به نفع متقاضی زیاد باشد مانند اینکه دعوا مستند به سند رسمی یا اوراق تجاری از قبیل برات، سفته و چک و اخواست شده باشد یا اینکه خواسته در معرض تضییع و تفریط بوده و عدم اقدام فوری در حفظ آن، اجرای حکم دادگاه را در صورت اثبات حقانیت متقاضی، دشوار یا غیرممکن سازد و یا اینکه خواهان در مورد خسارت احتمالی وارد شده به خوانده، تأمین بدهد یا اینکه طلبکار، ضمن دادخواست، دلایلی، اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین، قصد فروش اموال خود را دارد. طبق ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آنچه مورد تأمین قرار می‌گیرد، خود خواسته است و نه چیز دیگر. از جمله موارد درخواست تأمین خواسته، ماده ۲۹۲ قانون تجارت می‌باشد که بر اساس آن: «پس از اقامه دعوی، محکمه، مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه، اعتراض شده است، معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید». بند ۳ ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۳۰۹ و ۳۱۷ قانون تجارت، حکم ماده ۲۹۲ قانون اخیر را در مورد سفته و چک نیز تسری داده است اما آنچه در ماده ۲۹۲ قانون تجارت درباره برات مقرر شده و قابل تسری به سفته و چک می‌باشد، تمام اموال خوانده (اعم از وجوه نقد و سایر اموال منقول و غیرمنقول)، معادل وجه مندرج در ابزارهای مذکور، تحت تأثیر حقوق دارنده ابزار مبادله‌پذیر قرار گرفته و موضوع تأمین واقع می‌شود.

در سایر موارد، تأمین سایر اموال و دارایی خوانده در صورتی ممکن است که خواسته، عین معینی نباشد یا هرگاه عین معینی باشد، توقیف آن ممکن نباشد؛ بنابراین، هرگاه در رابطه پایه میان دارنده ابزار و متعهد آن، امکان تأمین خواسته فراهم نباشد (مثلاً خواسته، مستند به سند رسمی نبوده یا در معرض تضییع یا تفریط نباشد) یا در صورت وجود امکان صدور قرار تأمین خواسته، فقط خود خواسته را می‌توان موضوع تأمین قرارداد یا اینکه صرفاً در صورتی که خواسته، عین معینی نباشد یا تأمین خواسته عین معینی ممکن نباشد می‌توان معادل آن از سایر اموال و دارایی خوانده را موضوع تأمین قرارداد، در رابطه‌ای که از ابزار مبادله‌پذیر شکل می‌گیرد نه تنها در تمام موارد، امکان تأمین خواسته برای دارنده وجود دارد بلکه بدون توجه به وجود خواسته (مبلغ مندرج در ابزار)، تمام اموال خوانده تحت تأثیر حقوق دارنده واقع می‌شود و معادل مبلغ مندرج در آن به عنوان تأمین خواسته، توقیف و از نقل و انتقال و تصرفات مادی و حقوقی، بازداشته می‌شود. در این مورد، تقاضای خواهان دایر بر صدور قرار تأمین خواسته باید بدون نیاز به تودیع خسارت احتمالی، قبول شود (فخاری، ۱۳۸۷: ۵۶؛ شمس، ۱۳۸۵: ۶-۴۳۲؛ شمس، ۱۳۷۴: ۳). از عبارت «در

موارد زیر» در ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برمی‌آید که تحقق هر یک از بندهای الف، ب و ج کافی خواهد بود (حیاتی، ۱۳۸۴: ۱۹۷) و به‌صرف انجام واخواست و حتی بدون نیاز به ابلاغ، قرار تأمین خواسته، قابلیت صدور دارد (میرزایی، ۱۳۸۹، ۱: ۲۱۳۲)

۴. نتیجه‌گیری

برخلاف حقوق مدنی-که دربرگیرنده روابط حقوقی میان مردم عادی می‌باشد، حقوق تجارت به لحاظ تأمین نظم و سرعت لازم در انجام امور تجاری، پدیده‌هایی را معرفی می‌نماید که در حقوق مدنی ناشناخته است. همچنین اموالی که موضوع حقوق، تعهدات، مبادلات و معاملات در حقوق تجارت، قرار می‌گیرد، در دایره اموال سنتی مادی قابل لمس و منافع، جای نمی‌گیرد از قبیل سهام، بارنامه، قبض انبار، اوراق قرضه، برات، سفته و چک. قواعد حاکم بر این دسته از اموال نه تنها از قواعد حقوق مدنی بلکه از قواعد کلی حقوق تجارت نیز فاصله می‌گیرد. از میان تمام اسنادی که در تجارت به کار می‌رود و وسیله نقل و انتقال اموال میان تجار را فراهم می‌نماید، قواعد حاکم بر برات، سفته و چک-که متضمن تعهد یا دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی وجه نقد در سرسید کوتاه مدت می‌باشند- با قواعد حاکم بر سایر اسناد تجاری، قواعد حاکم بر حقوق تجارت به طور کلی و به طریق اولی قواعد مدنی، فاصله معنادارتری می‌گیرد و در برخی موارد، ابزار مبادله‌پذیر نامیده می‌شود. اگرچه ورود در ابزار مبادله‌پذیر به عنوان اصل کلی، مسبوق به وجود رابطه پایه اعم از واقعه یا عمل حقوقی است، واقعیت این است که صدور ابزار مبادله‌پذیر هیچ ملازمه‌ای با وجود رابطه پایه پیشین ندارد چنانکه قبولی و ضمانت نیز بدون وجود رابطه پایه، قابل تصور است. برخلاف اسناد مدنی-که صرفاً وسیله انجام تعهد یا وسیله اثبات حق و تعهد به شمار می‌آیند- ابزارهای مبادله‌پذیر، علاوه بر اینکه وسیله پرداخت و انتقال وجه و اثبات حق قرار می‌گیرند، از آنجا که قبل از سرسید، واجد ارزش می‌باشند و می‌توانند موضوع اعمال حقوقی گوناگونی واقع می‌شوند، موضوعیت می‌یابند و وسیله کسب اعتبار قرار می‌گیرند. رابطه‌ای که از طریق امضاء و رد و بدل شدن ابزار میان اطراف آن به وجود می‌آید، پس از گردش آن، حدوثا و در مواردی، بقااتا از رابطه پایه، مستقل بوده و تحت تأثیر ایرادات رابطه اخیر قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، برخلاف حقوق مدنی-که مطابق قاعده کلی، طلبکار می‌تواند انجام موضوع تعهد را از طرف هر شخصی و در هر مقطعی بپذیرد مگر این که با وجود رضایت طلبکار، موضوع تعهد، ذاتاً قابل انجام از طرف دیگری نباشد- در روابط ناشی از ابزار، قبول انجام تعهد، صرفاً پس از حلول موعد مقرر، مطالبه رسمی آن و احراز عدم انجام توسط متعهد اصلی ممکن می‌گردد و دارنده باید از میان اشخاصی ثالثی که آمادگی پرداخت وجه آن از طرف یکی از مسئولین را دارند، پرداخت از طرف کسی را بپذیرد که موجب برائت تعداد بیش‌تری از مسئولین را فراهم نماید و اگر خود بدهکار اصلی نیز حتی پس از اعتراض عدم پرداخت برای تأدیه وجه آن، آمادگی داشته باشد باید مقدم بر سایرین قرار گیرد. برخلاف حقوق مدنی-که از یک‌سو، انعقاد قرارداد، مستلزم پذیرش بدون قید و شرط آن از سوی مخاطب ایجاب می‌باشد و از سوی دیگر، طلبکار می‌تواند انجام موضوع تعهد را یکجا مطالبه و از قبول انجام جزئی آن امتناع ورزد، در روابط ناشی از ابزار، از یک طرف، براتگیر می‌تواند بخشی از مبلغ ابزار را قبولی بنویسد و از طرف دیگر، دارنده در صورت خودداری از قبول پرداخت جزئی از مبلغ ابزار به مقدار همان مبلغ، حق مراجعه به سایر مسئولین را از دست می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- آهنگران، رسول و رضائزاد لقمان (۱۴۰۱). بررسی نقش رضایت مضمون عنه در عقد ضمان از منظر فقه امامیه و نظام حقوقی ایران با رهیافتی تحلیلی از ماده ۶۸۵ و ۶۲۵ قانون مدنی. نشریه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۱(۱۱)، ۷۹-۸۸.
- اباذری فومشی، منصور و باغبانی، ابوالفضل (۱۳۸۶). مجموعه محشی از قوانین و مقررات تجارت. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- ابن قدامه، موفق‌الدین بن احمد (بی‌تا). المعنی. جلد ۲، بی‌جا، بیروت: دارالفکر.
- اخلاقی، بهروز (۱۳۷۱). جزوه درسی حقوق تجارت ۳. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اخلاقی، بهروز (بی‌تا). جزوه درس حقوق تجارت. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۳). حقوق تجارت تطبیقی. چاپ اول، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸). حقوق تجارت: برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۳). حقوق مدنی. جلد ۲، چاپ دهم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- باقری، احمد (۱۳۸۲). بررسی تحلیلی مبانی فقهی قانون مدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات آن.
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی. چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- بغدادی، محمد بن نعمان (۱۴۱۰). المقنعه. چاپ چهارم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن نورالدین. (۱۳۰۸ ق). روضه البهیة فی شرح اللعمه الدمشقیة، جلد ۲، بی‌جا، تهران: به خط عبدالرحیم جزیری، عبدالرحمان (بی‌تا). کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه. بی‌جا، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد ۱، چاپ اول، تهران: بنیاد راستاد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی. جلد ۱، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). آرای شورای عالی ثبت و شرح آن. چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حاتمی، علی؛ قرائی، محسن و دمرچیلی، محمد (۱۳۹۰). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ اول، تهران: انتشارات دادستان.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸). حقوق تجارت. جلد ۳، چاپ چهاردهم، تهران: نشر دادگستر.
- شمس، عبدالله (۱۳۷۴). تأمین در تأمین خواسته. مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. ۱۷(۱)، ۱۹۱-۲۱۹.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۵). آئین دادرسی مدنی. جلد ۳، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دراک.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۹). حقوق مدنی ۳. تعهدات. چاپ چهاردهم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی و فرهنگی مجد.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی. ج ۲، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- صقری، محمد (۱۳۸۰). حقوق بازرگانی اسناد. برات، سفته، قبض انبار عمومی، اسناد در وجه حامل و بروات بیگانه. جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صقری، محمد (۱۳۸۷). حقوق بازرگانی اسناد. گزیده آموزش، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). کتاب الخلاف. جلد ۳، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق.). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
 فخاری، امیرحسین (۱۳۸۷). تقریرات درس حقوق دریایی. بی‌جا، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

فخاری، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق تجارت. چاپ اول، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
 قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین (۱۳۷۸). بررسی مسائل کیفری و حقوقی چک. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها. جلد ۴، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
 کریمی، عباس (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی. چاپ اول، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
 مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۹). حقوق مدنی، عقود معین. جلد ۵، چاپ هشتم، تهران: انتشارات پایدار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

References

- Abazari Foomashi, M., & Baghbani, A. (2007). *Mohasha Collection of Trade Laws and Regulations*. 1st edition, Tehran: Khorsandi Publications. (In Persian)
- Ahangaran, M. R., & Rezanejad, L. (2022). Investigating the Role of Content Satisfaction in the Contract of Guarantee from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Iranian Legal System with an Analytical Approach from Articles 685 and 627 of the Civil Code. *Civil Law Knowledge*, 11(1), 79-88. Doi: 10.30473/clk.2022.60290.2989. (In Persian)
- Akhlaghi, B. (1992). *Business Law Course Booklet 3*. Tehran: Publications of the Faculty of Law and Political Science: University of Tehran. (In Persian)
- Akhlaghi, B. (1992). *Course Notes on Commercial Law 3*. Tehran: University of Tehran Press (Faculty of Law and Political Science). (In Persian)
- Akhlaghi, B. (1992). *Trade Law Textbook 3*. Tehran: Faculty of Law and Political Science: University of Tehran Publications. (In Persian)
- Akhlaghi, B. (Untitled). *Business Law Course Booklet*. Master of Private Law, Tehran: Publications of the Faculty of Law and Political Science: University of Tehran. (In Persian)
- Baghdadi, M. B. N. (1989). *Al-Magna, 4th edition*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. (In Ababic)
- Bagheri, A. (1999). *Analytical Study of the Jurisprudential Foundations of Civil Law*. 1st edition, Tehran: Ann Publications. (In Persian)
- Baqiri, A. (2003). *An Analytical Study of the Jurisprudential Foundations of the Civil Code*. 1st ed. Tehran: An Publications. (In Persian)
- Borujerudi Abdoh, M. (2001). *Civil Law*. 1st edition, Tehran: Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Demirchili, Mohammad et al., (2011), *Commercial Law in the Current Legal System*, 1st edition, Tehran: Dadestan Publications.
- Emami, S. H. (1994). *Civil Law*, Vol. 2, 10th Edition, Tehran: Islamieh Bookstore. (In Persian)
- Eskinni, R. (1999). *Commercial Law: Bill of Exchange, Promissory Note, Warehouse Receipt, Bearer Documents and Checks*. 1st edition, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Eskinni, R. (2013). *Comparative Commercial Law*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (In Persian)
- Fakhari, A. H. (2008). *Commercial Law*. 1st edition, Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (In Persian)
- Fakhari, A. H. (2008). *Maritime Law Course Notes, untitled*. Tehran: Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
- Ghaemmaghham Farahani, M. H. (1999). *The Study of Criminal and Legal Issues in the Czech Republic*. 1st edition, Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Hatamie, A., Ghorai, M., & Damerchili, M. (1390). *Commercial Law in the Current Legal Order*. 1st ed., Tehran: Dadsetan Publications. (In Persian)
- Ibn Qudamah, M. A. (Untitled). *Al-Mughni*. Vol. 2, Beirut: Darolfekr (In Ababic)
- Jabaie Ameli. Z. I. N. (1887). *Rawza al-Bahiyyah fi Sharh al-Lo'ma al-Damasqiyyah*. Vol. 2, (untitled), Tehran: Abdul Rahim. (In Ababic)
- Jafari Langroudi, M. J. (1978). *Detailed in Terminology*. Vol. 1, 3rd edition, Tehran: Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Jafari Langroudi, M. J. (1978). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law*. Vol. 1, 1st edition, Tehran: Rastad Foundation. (In Persian)
- Jafari Langroudi, M. J. (2011). *Resolutions of the Supreme Council of Registration and its Explanation*. 1st edition, Tehran: Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Jaziri, A. R. (Untitled). *Kitab al-Fiqh ali al-Madhahib al-Arba'ah*. (Untitled), Beirut: Dar al-Ahya al-Turaht al-Arabi. (In Ababic)
- Karimi, A. (2007). *Civil Procedure Code*. 1st edition, Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (In Persian)
- Katouzian, N. (1997). *Civil Law, General Rules of Contracts*. Vol.4, 2nd edition, Tehran: Publication Company in Cooperation with Bahman Borna. (In Persian)

- Madani, S. J. (2000), *Civil Law, Named Contracts*. Vol. 8, 8thedition, Tehran: Paydar Publications. (In Persian)
- Safaei, S. H. (2003). *Introductory Course in Civil Law*. Vol. 2, 1stedition, Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Saghori, M. (2001). *Commercial Law of Documents*. Volume One: Bill of Exchange (Brat), Promissory Note (Safteh), Warehouse Receipt (Qabz Anbar Omoumi), Bearer Instruments, and Foreign Bills of Exchange, First Edition, Tehran: Sherkat Sahami Enteshar. (In Persian)
- Saghori, M. (2008). *Commercial Law of Documents: Selected Readings/Training Synopsis*, Fifth Edition, Tehran: Enteshar Company. (In Persian)
- Shahidi, M. (2010). *Civil Law 3. Obligations*. 14th edition, Tehran: Majd Scientific and Cultural Association. (In Persian)
- Shams, A. (1995). Security in Conservatory Measure. *Journal of Legal Research. Faculty of Law, Shahid Beheshti University*, 1(11), 191-219. (In Persian)
- Shams, A. (2006). *Civil Procedure Code*. Vol. 7, ed., Tehran: Drak Publications. (In Persian)
- Sotoudeh Tehrani, H. (2009). *Commercial Law*. Vol. 3, 14thedition, Tehran: Dadgostar Publications. (In Persian)
- Toosi, M. I. H. (1979). *The End in the Abstract of Jurisprudence and Fatawi*. 2ndedition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Ababic)
- Toosi, M. I. H. (1993). *Ketab al-Khelaf*. vol.3, 2nd edition, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. (In Ababic)

